

روان شناسی رشد لورا برک

فصل ۱

تهیه کننده: مجتبی محمودی نودژ

مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهراء بندرعباس

رشد انسان به عنوان حوزه ای علمی، کاربردی، و میان رشته ای

مخزن عظیم اطلاعات ما درباره رشد انسان ، میان رشته ای است.

این اطلاعات از تلاش های مرکب افرادی که در حوزه های مطالعاتی متعدد مشغول هستند به دست آمده است.

به خاطر نیاز به راه حل هایی برای مشکلات روزمره تمام سنین، پژوهشگرانی از آموزش و پرورش، مطالعات خانواده، پزشکی، سلامت عمومی، و خدمات اجتماعی، نیروی مشترکی را برای پژوهش تشکیل داده اند.

و آنها همه باهم، رشته ای که امروزه هست را به وجود آورده اند. دانشی که نه تنها از لحاظ علمی مهم است بلکه مربوط و مفید نیز هست.

مباحث اساسی

علم رشد تلاش نسبتاً جدیدی است. تحقیقات درباره کودکان تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع نشده بود. تحقیقات درباره رشد بزرگسالی، پیری، و تغییر در روند زندگی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدیدار شد.

اما گمانه زنی درباره اینکه چگونه افراد رشد و تغییر می کنند، به مدت چند قرن وجود داشت. زمانی که این گمانه زنی ها با پژوهش ترکیب شدند، به ساختن نظریه های رشد الهام بخشیدند. **نظریه** یک رشته اظهارات منظم و منسجم است که رفتار را توصیف می کند، توضیح می دهد، و پیش بینی میکند. مثلاً: یک نظریه خوب درباره دلبستگی کودک - مراقب کننده، این ویژگی ها را دارد.

۱- رفتار های بچه های ۶ تا ۸ ماهه را هنگامی که محبت و تسلی یک بزرگسال آشنا را می خواهند **توصیف می کند**.

۲- **توضیح می دهد** که چگونه و چرا کودکان این میل نیرومند به برقراری ارتباط با یک مراقبت کننده را پرورش می دهند.

۳- پیامدهای این پیوند عاطفی برای روابط آینده را **پیش بینی می کند**.

نظریه ها به دو دلیل ابزارهای مهمی هستند.

نظریه ها به دو دلیل ابزارهای مهمی هستند.

۱- اینکه، آنها چارچوب منظمی را برای مشاهدات ما از افراد تامین می کنند.

به عبارت دیگر، آن ها آنچه را که می بینیم **هدایت کرده و به آن معنی می دهند.**

۲- اینکه، نظریه هایی که توسط پژوهش تایید شده اند، مبنای دقیقی را برای اقدام عملی در اختیار می گذارند.

رشد پیوسته است یا ناپیوسته

برای این مبحث دو دیدگاه وجود دارد:

یک دیدگاه بر این باور است که نوباوگان و کودکان پیش دبستانی خیلی شبیه به بزرگسالان به دنیا پاسخ می دهند تفاوت بین بالغ و نابالغ صرفاً به **مقدار** یا **پیچیدگی** مربوط می شود، در این صورت رشد **پیوسته** است.

طبق دیدگاه دوم نوباوگان روش های منحصر به فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن دارند که کاملاً با روش های بزرگسالان متفاوت هستند. اگر این چنین باشد رشد **ناپیوسته** است یعنی فرایندی که به موجب آن، روش های تازه و متفاوت در کردن دنیا و پاسخ دادن به آن در زمان های خاص پدیدار می شود.

نظریه هایی که دیدگاه ناپیوسته را قبول دارند ، رشد را به صورتی که بر طبق مراحل صورت می گیرد، در نظر می گیرند- تغییراتی کیفی در تفکر، احساس و رفتار کردن که دوره های خاص رشد را مشخص می کند.

در نظریه های مرحله ای، رشد مانند بالا رفتن از پلکان است، به طوری که هر پله با شیوه عمل کردن پخته تر و سازمان یافته تری مطابقت دارد.

مفهوم مرحله، این را نیز فرض می کند که وقتی افراد از یک مرحله وارد مرحله بعد می شوند، دستخوش دوره های سریع تغییر شکل می شوند.



(الف) رشد پیوسته



(ب) رشد ناپیوسته

شکل ۱-۱ رشد پیوسته است یا ناپیوسته؟ (الف) برخی نظریه پردازان معتقدند که رشد فرایندی یکنواخت و پیوسته است. افراد به تدریج تعداد بیشتری از مهارت‌های یکسان را کسب می‌کنند. (ب) نظریه پردازان دیگر معتقدند که رشد به صورت مراحل ناپیوسته صورت می‌گیرد. هنگامی که افراد وارد مرحله تازه‌ای می‌شوند، ناگهان تغییر کرده و بعد برای مدتی تغییر خیلی کمی می‌کنند. فرد در هر مرحله تازه، دنیا را به صورت متفاوتی تعبیر می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد.

یک یا چند دوره رشد

نظریه پردازان مرحله ای فرض می کنند که افراد در هر جایی زنجیره رشد یکسانی را دنبال می کنند. با این حال، حوزه رشد انسان به طور فزاینده ای آگاه شده است که کودکان و بزرگسالان در موقعیت های متفاوتی زندگی می کنند- ترکیبات منحصر به فرد شرایط شخصی و محیطی که می توانند به مسیرهای تغییر متفاوتی منجر شوند

نظریه پردازان امروزی، موقعیت هایی را در نظر میگیرند که رشد را به صورت چند لایه و پیچیده شکل می دهند که از جنبه شخصی آن ها وراثت و ساخت زیستی را منظور می کند از جنبه محیطی آن ها موقعیت های نزدیک مثل خانه مدرسه و محله و شرایط دورتر از زندگی روزمره مانند ارزش های اجتماعی و دوره تاریخی را منظور می کند

تأثیرات نسبی طبیعت و تربیت

آیا عوامل ارثی مهم تر هستند یا عوامل محیطی؟

این مجادله قدیمی طبیعت در برابر تربیت است.

منظور از **طبیعت** اطلاعات ارثی است که در لحظه لقاح از والدین خود می گیریم. منظور از **تربیت** نیروهای پیچیده دنیای مادی و اجتماعی که بر ساخت زیستی و تجربیات روانشناختی ما قبل و بعد از تولد تاثیر می گذارند.

نظریه پردازانی که به **ثبات** تاکید می کنند- اینکه افرادی که در یک ویژگی بالا و پایین هستند (مثل توانایی های کلامی، اضطراب، معاشرتی بودن) در سنین بعدی نیز به همین صورت می مانند- معمولاً بر اهمیت وراثت تاکید می ورزند.

اگر آنها محیط را مهم بدانند معمولاً به **تجربیات اولیه** به عنوان تعیین کننده الگوی دایمی رفتار اشاره می کنند. و باور دارند که رویداد مثبت بعدی نمی تواند تاثیر قدرتمند ناگوار در چند سال اول زندگی را از بین ببرد.

نظریه پردازان دیگر رشد را به صورتی که **انعطاف پذیری** قابل ملاحظه ای در طول عمر دارد در نظر می گیرند در صورتی که در پاسخ به تجربیات تاثیر گذارپذیرای تغییر است

دورنمای عمر : دیدگاهی متعادل

برخی از نظریه پردازان امروزی معتقدند که هر دو تغییرات پیوسته و ناپیوسته ،شماری قبول دارند که رشد به ویژگی های همگانی و ویژگی منحصر به فرد و موقعیت های او بستگی دارد. و تعداد زیادی وراثت و محیط را به صورت در هم تنیده در نظر می گیرند، که هر یک توان دیگری را برای تغییرات صفات و قابلیت های کودک تحت تاثیر قرار می دهد، پژوهشگران دیگر به طور فرایندی رشد را به صورت سیستم پویا در نظر می گیرند فرایندی که پیوسته جریان داشته و از لقاح تا مرگ گسترش دارد وشبکه پیچیده تاثیرات زیستی ،روانشناختی و اجتماعی ان را شکل می دهد .

رویکرد اصلی سیستم پویا، دیدگاه عمر است چهار فرض این دیدگاه گسترده را تشکیل می دهد:

رشد، ۱- دایمی، ۲- چند بعدی و چند جهتی، ۳- بسیار انعطاف پذیر است و ۴- تحت تاثیر چندین نیروی تاثیر گذار بر هم قرار دهد

رشد دایمی است

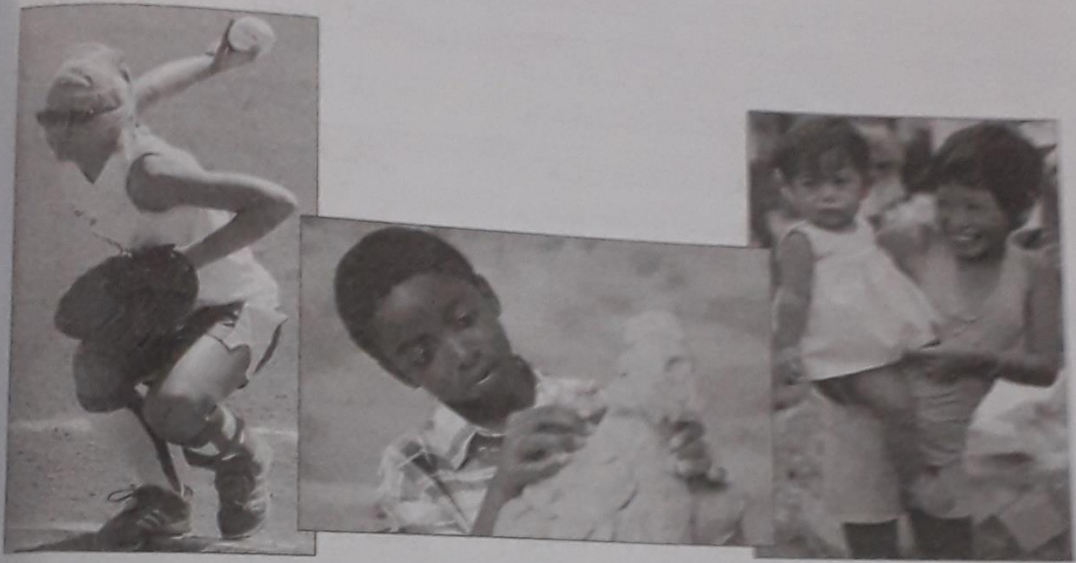
بر طبق دیدگاه عمر، هیچ دوره سنی از نظر تاثیر بر روند زندگی برتر نیست. بلکه در هر دوره اصلی رشد وقایعی روی می دهند که می توانند تاثیرات قدرتمند برابری بر تغییر آینده داشته باشند.

در هر دوره، تغییر در سه زمینه کلی روی می دهد.

جسمانی، شناختی و هیجانی/اجتماعی

جدول ۱-۱ دوره‌های اصلی رشد انسان		
دوره	دامنه سنی تقریبی	شرح کوتاه
پیش از تولد	لحاق تا تولد	ارگانیسم تک سلولی به بجهٔ انسان تبدیل می‌شود که توانایی‌های قابل ملاحظه‌ای برای سازگار شدن با زندگی خارج از رحم دارد.
نویاویگی و نویایی	تولد تا ۲ سالگی	تغییرات چشمگیر در بدن و مغز به پیدایش مجموعهٔ گسترده‌ای از توانایی‌های حرکتی، ادراکی، و عقلانی و اولین روابط صمیمانه با دیگران کمک می‌کند.
اوایل کودکی	۲ تا ۶ سالگی	در طول «سال‌های بازی»، مهارت‌های حرکتی اصلاح می‌شوند، تفکر و زبان با سرعت حیرت‌انگیزی گسترش می‌یابند، درک اصول اخلاقی آشکار می‌شود، و کودکان پیوندهایی را با همسالان تشکیل می‌دهند.
اواسط کودکی	۶ تا ۱۱ سالگی	سال‌های دبستان با پیشرفت‌هایی در توانایی‌های ورزشی؛ فرایندهای تفکر منطقی؛ مهارت‌های سوادآموزی؛ شناختن خویشتن، اصول اخلاقی، و روابط دوستی؛ و شروع عضویت در گروه همسالان مشخص می‌شود.
نوجوانی	۱۱ تا ۱۸ سالگی	بلوغ به‌اندازهٔ بدن بزرگسالی و پختگی جنسی منجر می‌شود. تفکر انتزاعی و ایده‌آلیستی و پیشرفت تحصیلی جدی‌تر می‌شود. نوجوانان استقلال از خانواده و تعیین ارزش‌ها و هدف‌های شخصی را آغاز می‌کنند.
اوایل بزرگسالی (جوانی)	۱۸ تا ۴۰ سالگی	اغلب جوانان خانهٔ پدری را ترک می‌کنند، تحصیلات خود را به اتمام می‌رسانند، و شغل تمام وقتی را آغاز می‌نمایند. مسایل عمده عبارتند از: دست و پا کردن شغل، برقرار کردن مشارکت صمیمانه، ازدواج، بزرگ کردن فرزندان، یا تشکیل دادن سبک‌های زندگی دیگر.
میانسالی	۴۰ تا ۶۵ سالگی	بسیاری از افراد در اوج مشاغل خود هستند و جایگاه‌های رهبری کسب می‌کنند. آنها همچنین باید به فرزندان خود کمک کنند زندگی مستقلی را آغاز نمایند و به والدین خود کمک کنند تا با پیری سازگار شوند. آنها از فناپذیری خودشان آگاه‌تر می‌شوند.

دامنه جدول ۱-۲		
اواخر بزرگسالی (پیری)	۵۵ سالگی تا مرگ	افراد با بازنشستگی، با کاهش توانایی جسمانی و سلامتی و اغلب با مرگ همسر خود سازگار می‌شوند. آنها به معنی زندگی خود می‌اندیشند.



رشد هیجانی و اجتماعی: تغییرات در ارتباط هیجانی، خودآگاهی، آگاهی دربارهٔ دیگران، مهارت‌های میان فردی، روابط دوستی، روابط صمیمانه، و استقلال و رفتار اخلاقی.	رشد شناختی: تغییرات در توانایی‌های عقلانی، از جمله توجه، حافظه، دانش علمی و روزمره، حل مسئله، قدرت تخیل، خلاقیت، و زبان.	رشد جسمانی: تغییرات در بدن، نسبت‌ها، ظاهر و عملکرد سیستم‌های بدن، توانایی‌های ادراکی و حرکتی، و سلامت جسمانی.
--	--	---

شکل ۱-۲ ابعاد اصلی رشد این سه زمینه واقعاً متمایز نیستند، بلکه همپوش و تأثیرگذار بر یکدیگر هستند.



رشد چند بعدی و چند جهتی است

از دیدگاه عمر، چالش ها و سازگاری های رشد **چند بعدی** هستند. یعنی امیزه ای پیچیده ای از نیروهای زیستی، روان شناختی و اجتماعی بر آن تاثیر دارند.

رشد در طول عمر، حداقل از دو نظر چند جهتی هست:

۱. رشد به عملکرد بهتر محدود نمی شود بلکه در هر دوره، جلوه مشترکی از رشد و افول است.

۲. تغییر علاوه بر اینکه در طول عمر چند جهتی است در هر زمینه رشد نیز چند جهتی است

رشد انعطاف پذیر است

پژوهشگران عمر تاکید تاکید دارند که رشد در تمام سنین انعطاف پذیر است. انعطاف پذیری در بین افراد بسیار متفاوت است برخی کودکان و بزرگسالان شرایط زندگی متنوعی را تجربه می کنند. همانطور که بحث زیست شناسی و محیط نشان می دهد، برخی افراد راحت تر از دیگران با شرایط متغیر سازگار می شوند.

رشد تحت تاثیر نیروهای متعدد و تاثیرگذار بر هم قرار دارد

رشد تحت تاثیر نیروهای متعدد زیستی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.

گرچه این تاثیرات گسترده را می توان در سه طبقه سازمان داد، اما آنها باهم عمل می کنند و برای شکل دادن به هر دوره زندگی به صورت منحصر به فردی ترکیب می شوند.

تاثیرات مربوط به سن: رویدادهایی که قویا با سن ارتباط دارند و بنابراین، می توان پیش بینی کرد که چه موقعی اتفاق می افتند و چه مدت ادامه می یابند، **تاثیرات مربوط به سن** نامیده می شود.

مانند شروع کردن مدرسه در سن ۶ سالگی، گرفتن گواهینامه در ۱۶ سالگی و...

تأثیرات مربوط به تاریخ: رشد همچنین تحت تأثیر نیروهایی قرار دارد که منحصر به دوره تاریخی خاصی هستند.

نمونه های آن عبارتند از: بیماری همه گیر، جنگ ها و دوره های رکود یا رونق اقتصادی و...

تأثیرات مربوط به تاریخ توضیح می دهند که چرا افرادی که تقریباً در یک دوره به دنیا آمده اند - و **همدوره** نامیده می شوند - شباهت هایی باهم دارند که آنها را از کسانی که در دوره های دیگری به دنیا آمده اند متمایز می کند.

تأثیرات غیر هنجاری: تأثیرات مربوط به سن و تاریخ، **هنجاری** هستند به معنی عادی، معمولی - زیرا هریک بر تعداد زیادی از افراد به شیوه مشابه تأثیر می گذارند.

تأثیرات غیر هنجاری رویدادهایی غیر عادی هستند. آنها فقط برای یک یا چند نفر اتفاق می افتند و از جدول زمان بندی قابل پیش بینی تبعیت نمی کنند.

در نتیجه، چند جهتی بودن رشد را افزایش می دهند. تأثیرات غیر هنجاری در رشد بزرگسالان امروزی، قوی تر شده و تأثیرات مربوط به سن ضعیف تر شده است.

نکته: دیدگاه عمر به جای یک مسیر رشد، روی چندین مسیر و پیامدهای بالقوه تأکید می کند.

داروین پیشگام بررسی علمی کودک

چارلز داروین طبیعت شناس بریتانیایی ، تنوع بی نهایتی را در گونه های گیاهی و حیوانی مشاهده کرد. داروین مشاهده کرد که در هر گونه، دو نمونه دقیقاً مثل هم پیدا نمی شود. و از طریق این مشاهدات و بررسی ها **نظریه تکامل** خود را ساخت.

که بر دو اصل تاکید دارد: **انتخاب طبیعی و بقای اصلح**

داروین معتقد است که برخی گونه ها به این دلیل در محیط های خاص زنده می مانند که ویژگی هایی دارند که با محیط اطراف ، سازگار شده اند. و گونه های دیگر به این دلیل از بین می روند که نتوانسته اند با محیط خود سازگار شوند.

تاکید داروین بر ارزش انطباقی ویژگی های جسمانی و رفتار به نظریه مهم رشد راه یافت داروین در جریان کاوشش دریافت که رشد پیش از تولد در تعدادی از گونه ها، بسیار مشابه است

رویکرد هنجاری

جی استانلی هال، عموماً به عنوان بانی جنبش بررسی کودک محسوب می شود. هال و شاگردش گزل با الهام از نظریه داروین، نظریه هایی بر اساس نظریه تکامل ساختند.

انها رشد را به صورت **فرایند رشد** در نظر گرفتند.

هال و گزل **رویکرد هنجاری** را راه اندازی کردند. که به موجب آن، از تعداد زیادی افراد، ارزیابی رفتاری بدست می آید و برای نشان دادن رشد عادی میانگین های مربوط به سن محاسبه می شود.

هال پرسشنامه هایی ساخت که از کودکان سنین مختلف درباره هر چیزی که درباره خودشان می توانستند بیان کنند از قبیل: تمایلات، همبازی های خیالی، ترس ها، روابط دوستی سوال هایی می پرسیدند، گزل جز اولین کسانی بود که با مطلع کردن والدین از اینکه در هر سن چه انتظاراتی داشته باشند آگاهی در مورد رشد کودک را برای والدین معنا دار کرد.

رویکرد روانکاوی

طبق دیدگاه روانکاوی افراد یک رشته مراحل را می گذرانند که در آن ها با تعارض هایی بین سائق های زیستی و انتظارات اجتماعی رو به رو می شوند. نحوه ای که این تعارض ها حل می شود توانایی فرد در کنار آمدن با دیگران و مقابله کردن اضطراب تعیین می کنند از بین افرادی که به دیدگاه روانکاوی کمک کردند دو تن مشهور اند: زیگموند فروید و اریکسون

نظریه رشد روانی جنسی فروید

شامل سه بخش نهاد، خود و فراخود است

نهاد: بزرگترین قسمت ذهن منبع نیازها و امیال زیستی اساسی است

خود: قسمت هوشیار و منطقی شخصیت و در اوایل نوباوگی پدیدار می شود

فراخود: فراخود یا وجدان بین ۳ تا ۶ سالگی از طریق تعامل با والدین که تاکید دارند کودکان باید از ارزش های جامعه پیروی کنند شکل می گیرد

بین ۳ تا ۶ سالگی فراخود از طریق تعامل با والدین که تاکید بر پیروی از ارزشهای جامعه دارند شکل می گیرند.

به عقیده فروید، روابطی که بین نهاد، خود و فراخود در سال های پیش دبستانی برقرار می شوند، شخصیت اساسی فرد را تعیین می کنند.

فروید عقیده داشت که در طول دوره کودکی، تکانه های جنسی تمرکز خود را از دهان به مقعد و بعد به مناطق تناسلی بدن جابجا می کنند.

در هر مرحله، والدین اجازه می دهند که نیازهای اساسی کودک آنها خیلی زیاد یا خیلی کم ارضا شوند.

اگر والدین جانب اعتدال را رعایت کنند ، در این صورت کودکان آنها به صورت بزرگسالان سازگار رشد می کنند، که از قابلیت رفتار جنسی پخته و رسیدگی به زندگی خانوادگی برخوردار می شوند.

نظریه فروید اولین نظریه ای بود که بر تاثیر رابطه اولیه والد-فرزند بر رشد تاکید کرد ولی دیدگاه او سرانجام به دلایل ذیل مورد انتقاد قرار گرفت:

۱- تاکید زیاد بر تاثیر احساس های جنسی در رشد

۲- چون که بر مبنای مشکلات جنسی سرکوب شده جامعه وین بود در فرهنگ های دیگر کاربرد نداشت.

۳- کودکان را به طور مستقیم بررسی نکرده بود.

تولد- ۱ سالگی دهانی: خود تازه، فعالیت‌های مکیدن بچه را به سمت پستان یا شیشه شیر هدایت می‌کند. اگر نیازهای دهانی برآورده نشوند، امکان دارد که فرد عادت‌هایی نظیر شست مکیدن، ناخن جویدن، و پرخوری و سیگار کشیدن را پرورش دهد.

۱-۳ سالگی مقعدی: کودکان نوپا و پیش‌دستانی از نگه داشتن و رها کردن ادرار و مدفوع لذت می‌برند. اگر والدین قبل از اینکه کودکان آمادگی داشته باشند، آموزش استفاده از توالت را اجرا کنند یا چنانچه آنها توقع خیلی کم داشته باشند، ممکن است تعارض‌هایی درباره کنترل مقعدی به شکل منظم بودن افراطی یا اختلال آشکار شوند.

۳-۶ سالگی آلتی: وقتی کودکان پیش‌دستانی از تحریک اندام تناسلی لذت می‌برند، تعارض ادیب برای پسرها و تعارض الکترها برای دخترها ایجاد می‌شود: کودکان نسبت به والد جنس مخالف احساس جنسی می‌کنند. آنها برای اجتناب از تنبیه، این میل را رها کرده و خصوصیات و ارزش‌های والد همجنس را می‌پذیرند. در نتیجه، فراخود شکل می‌گیرد، و کودکان هر بار که از این معیارها تخلف کنند، احساس گناه می‌کنند.

۶-۱۱ سالگی نهفتگی: غرایز جنسی خفته هستند و هنگامی که کودک ارزش‌های اجتماعی تازه‌ای را از بزرگسالان و همسالان همجنس فرا می‌گیرد، فراخود نیرومند می‌شود.

اعتماد در برابر بی‌اعتمادی: نوباوگان از مراقبت گرم و پذیرا، احساس اعتماد یا اطمینان می‌کنند که دنیا مکان خوبی است. بی‌اعتمادی در صورتی ایجاد می‌شود که نوباوگان مورد غفلت یا برخورد خشن قرار گرفته باشند.

استقلال در برابر شرم و تردید: کودکان با استفاده از مهارت‌های ذهنی و حرکتی، می‌خواهند خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند. استقلال زمانی پرورش می‌یابد که والدین امکان انتخاب آزاد را فراهم کنند و به کودک فشار نیاورند یا او را شرم‌ده نکنند.

ابتکار عمل در برابر احساس گناه: کودکان از طریق بازی وانمود کردن، نسبت به نوع آدمی را که می‌توانند بشوند، بینش کسب می‌کنند. ابتکار عمل - احساس بلندپروازی و مسئولیت - زمانی شکل می‌گیرد که والدین از درک جدید هدف و مقصود در فرزند خود حمایت کنند. اما اگر والدین خویشتنداری زیاد را مطالبه کنند، کودکان احساس گناه بیش از اندازه می‌کنند.

سخت‌کوشی در برابر احساس حقارت: کودکان در مدرسه یاد می‌گیرند با دیگران همکاری کنند. احساس حقارت در صورتی ایجاد می‌شود که تجربیات ناگوار در خانه، در مدرسه، یا با همسالان، به احساس بی‌کفایتی منجر شوند.

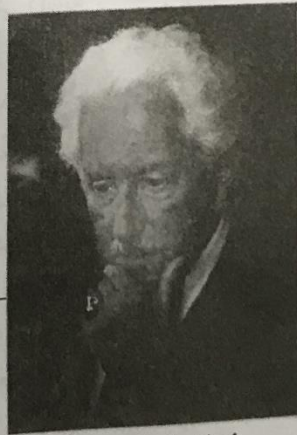
نوجوانی

تناسلی: با فرا رسیدن بلوغ، تکانه‌های جنسی از نو ظاهر می‌شوند. رشد موفقیت‌آمیز در طول مراحل قبلی، به ازدواج، رابطه جنسی پخته، و فرزندپروری منجر می‌شود.

اوایل بزرگسالی

میانسالی

پیری



اریک اریکسون

هویت در برابر سردرگمی نقش: نوجوان با بررسی ارزش‌ها و هدف‌های شغلی، هویت شخصی را تشکیل می‌دهد. پیامد منفی، سردرگمی درباره نقش‌های بزرگسالی در آینده است.

صمیمیت در برابر انزوا: جوانان روابط صمیمانه تشکیل می‌دهند. برخی افراد به دلیل ناامیدی‌های قبلی، نمی‌توانند روابط صمیمی برقرار کنند و منزوی می‌مانند.

زاینده‌گی در برابر رکود: زاینده‌گی به معنی بخشیدن به نسل بعدی از طریق فرزندپروری، دلسوزی برای دیگران، یا کار ثمربخش است. فردی که در این زمینه‌ها شکست می‌خورد، احساس می‌کند دستاورد معنی‌داری ندارد.

انسجام در برابر ناامیدی: انسجام از این احساس ناشی می‌شود که زندگی به صورتی که روی داده، ارزش زیستن را داشته است. افراد سالخورده‌ای که از زندگی خود ناراضی هستند، از مرگ می‌هراسند.

نظریه روانی - اجتماعی اریکسون

اریکسون در نظریه روانی - اجتماعی روی این موضوع تاکید دارد که خود صرفاً بین تکانه های نهاد و درخواست های فراخود میانجی گری نمی کند .

خود در هر مرحله نگرش ها و مهارت هایی را نیز کسب می کند که فرد را عضو فعال و کمک کننده به جامعه می سازد. تعارض روانشناسی اساسی که در یک پیوستار از مثبت تا منفی حل می شود، پیامدهای سالم یا ناسازگارانه را در هر مرحله تعیین می کند.

پنج مرحله اریکسون شبیه مراحل فروید هستند، ولی اریکسون سه مرحله بزرگسالی را اضافه کرد.

رفتارگرایی و نظریه یادگیری اجتماعی

رفتارگرایی: طبق این دیدگاه، رویدادهایی که مستقیماً قابل مشاهده هستند - محرک ها و پاسخ ها - ارزش بررسی کردن را دارند.

رفتارگرایی در اوایل قرن بیستم با کار جان واتسون آغاز شد.

تحقیقات ایوان پاولف فیزیولوژیست روسی در مورد یادگیری حیوان، الهام بخش واتسون بودند.

پاولف می دانست که وقتی به سگ ها غذا داده می شود، به عنوان بازتاب فطری، بزاق ترشح می کند. اما او متوجه شد که سگ ها قبل از اینکه هرگونه غذایی را بچشند، بزاق ترشح می کنند - یعنی موقعی که مربی را می دیدند که معمولاً آن ها را تغذیه می کرد.

پاولف فکر کرد که سگ ها باید یاد گرفته باشند محرکی خنثی با محرکی دیگر که پاسخ بازتابی را ایجاد می کند تداعی کرده باشند. در نتیجه این تداعی، محرک خنثی به تنهایی می تواندست پاسخ شبیه بازتاب را ایجاد کند.

اوبه سگ ها یاد داد با شنیدن صدای زنگی که با ارایه غذاهمانند شده بودبزاق ترشح کنند و اوشرطی سازی کلاسیک را مطرح ساخت.

واتسون آزمایشی برای اثبات شرطی سازی کلاسیک در کودکان انجام داد، او آزمایشی را بر روی کودک یازده ماهه به نام آلبرت انجام داد و به او یاد داد که از یک محرک خنثی - موش سفید بترسد .

او چند بار موش سفید را با صدای بلند که به طور طبیعی بچه را میترساند همایند کرد . آلبرت که در آغاز مشتاقانه برای لمس موش دست خود را سمت او می برد، بادیدن آن شروع به گریه کرد و روی خود را برگرداند.

از این آزمایش واتسون نتیجه گرفت محیط نیرویی برتر در رشد است و بزرگسالان می توانند با کنترل دقیق ارتباط های محرک - پاسخ، رفتار کودکان را شکل دهند.

او رشد را به صورت یک فرایند پیوسته در نظر داشت که از افزایش تدریجی تعداد و نیرومندی این ارتباط ها تشکیل می شود

نوع دیگری از رفتار گرایی نظریه **شرطی سازی کنشگر** اسکینر است .

به عقیده اسکینر، فراوانی رفتار را می توان با ارائه انواع **تقویت کننده ها** مثل غذا یا تحسین افزایش داد. و فراوانی رفتار را میتوان از طریق **تنبيه** مانند عدم تایید یا دریغ کردن امتیازها نیز کاهش داد.

نظریه یادگیری اجتماعی

با نفوذ ترین نظریه یادگیری - اجتماعی توسط آلبرت بندورا ابداع شد.

که به سرمشق گیری به عنوان منبع قدرتمند رشد تاکید می کند .

بچه ای که بعد از کف زدن مادرش این کار را انجام می دهد، کودکی که همبازی خود را به همان صورتی که در خانه تنبیه شده است کتک می زند و ... یادگیری مشاهده ای را هُشکار می کند.

بندورا در اوایل کار خود دریافت که عوامل گوناگونی بر انگیزش تقلید کردن کودکان اثر می گذراد. سابقه ی تقویت و یا تنبیه آن ها برای رفتار، وعده تقویت یا تنبیه آینده و حتی تقویت یا تنبیه جانشینی.

نظریه بندورا بر اهمیت **شناخت یا تفکر** تاکید می کند. همچنین به نحوه ای که درباره خوددمان و دیگران فکر می کنیم تاکید می کند. به همین دلیل نظریه خودش را **رویکرد اجتماعی-شناختی** می نامد.

طبق دیدگاه تجدید نظر شده بندورا، کودکان به تدریج در آنچه که تقلید می کنند، گزینشی تر می شوند.

کودکان از طریق تماشای دیگران که خود را تحسین و سرزنش می کنند و از طریق بازخورد درباره ارزش اعمال خودشان، معیارهای شخصی برای رفتار و احساس کارایی را پرورش می دهند- اعتقاد به اینکه توانایی ها و ویژگی های خودشان به آنها کمک می کنند تا موفق شوند. این شناخت ها در موقعیت های خاص، پاسخ را هدایت می کنند. «مثلا مادری که می گوید خوشحالم از اینکه کار کردن روی این تکلیف را با اینکه سخت بود ، ادامه دادم» و به این طریق ارزش استقامت را توضیح می دهد.

و با گفتن «می دانم که تو می توانی این تکلیف را به خوبی انجام دهی» آن را در کودک خود ترغیب می کند

نظریه شناختی - رشدی پیازه

ژان پیازه بیش از هر فرد دیگری بر پژوهش درباره رشد کودک تاثیر داشته است. پیازه باور نداشت که یاد گیری کودکان به تقویت کننده ها، مانند پاداش های بزرگسالان وابسته است.

طبق **نظریه شناختی - رشدی** او، کودکان با دستکاری و کاوش محیط خود، به طور فعال آگاهی کسب می کنند.

نظریه پیازه درباره رشد به مقدار زیاد تحت تاثیر آموزش اولیه او در زیست شناسی قرار داشت. مفهوم زیستی **انطباق** در نظریه ی او اهمیت زیادی دارد. درست به همان صورتی که ساختار بدن برای مطابقت یافتن با محیط سازگار می شوند، ساختار های ذهن نیز طوری رشد می کنند تا با دنیای بیرونی بهتر تطابق یابند یا سازگار شوند .

پیاژه معتقد بود که درک کودکان در نوباوگی و اوایل کودکی با درک بزرگسالان تفاوت دارد. برای مثال او باور داشت که کودکان خردسال نمی فهمند که وقتی چیزی از دید آن ها پنهان است - مثل اسباب بازی دلخواه یا حتی مادر- همچنان وجود دارد. او همچنین نتیجه گرفت که تفکر کودکان پیش دبستانی پر از منطق غلط است.

رای مثال کودکان زیر ۷ سال می گویند وقتی مایعی به ظرفی ریخته می شود که شکل متفاوتی دارد، مقدار آن تغییر می کند. به عقیده پیاژه، کودکان سرانجام در جریان تلاش های جاری خود برای دستیابی به **تعادل** بین ساختارهای درونی و اطلاعاتی که در محیط خود با آن روبه رو می شوند، این عقاید نادرست را اصلاح می کنند.

مراحل پیاژه

در نظریه پیاژه کودکان چهار مرحله را پشت سر می گذارند:

- ۱- مرحله حسی حرکتی: با استفاده کودک از حواس و حرکات برای کاوش کردن محیط آغاز می شود
- ۲- مرحله پیش عملیاتی: به صورت تفکر نمادی اما غیر منطقی کودک پیش دبستانی در می آید
- ۳- مرحله عملیات عینی: به صورت استدلال منظم تر و منطقی کودک دبستانی تغییر شکل میابد
- ۴- مرحله عملیات صوری: تفکر به نظام استدلال منظم و انتزاعی نو جوان و بزرگ سال تبدیل می شود

جدول ۱-۳ مراحل رشد شناختی پیاژه



ژان پیاژه

مرحله	دوره رشد	شرح
حسی - حرکتی	تولد تا ۲ سالگی	نوباوگان با تأثیر گذاشتن بر محیط به وسیله چشم‌ها، گوش‌ها، دست‌ها، و دهان خود «فکر می‌کنند». در نتیجه، آنها برای حل کردن مسایل ساده روش‌هایی را مانند کشیدن اهرم برای شنیدن موسیقی از ضبط صوت، یافتن اسباب‌بازی پنهان شده، و گذاشتن اشیا در یک ظرف و بیرون آوردن آنها، ابداع می‌کنند.
پیش‌عملیاتی	۲ تا ۷ سالگی	کودکان پیش‌دبستانی برای بازنمایی کشفیات حسی - حرکتی قبلی خود، از نمادها استفاده می‌کنند. رشد زبان و بازی وانمود کردن صورت می‌گیرند. با این حال، تفکر فاقد منطق دو مرحله بعدی است.
عملیات عینی	۷ تا ۱۱ سالگی	استدلال کودکان منطقی می‌شود. کودکان دبستانی می‌فهمند که مقدار لیموناد یا خمیر بازی حتی بعد از اینکه ظاهر آن تغییر یافته باشد، ثابت می‌ماند. آنها همچنین اشیا را در طبقات و طبقات فرعی سازمان داده‌اند. با این حال، کودکان فقط زمانی که با اطلاعات عینی سر و کار منطقی و منظم فکر می‌کنند.
عملیات صوری	۱۱ سالگی به بعد	توانایی تفکر انتزاعی و منظم، نوجوانان را قادر می‌سازد تا وقتی با مسئله‌ای روبرو می‌شوند، با فرضیه‌ها شروع کنند، از استنباط‌های آزمون‌پذیر نتیجه‌گیری کنند، و متغیرها را جدا و ترکیب کنند تا منطق اظهارات کلامی را بدون اینکه به شرایط دنیای عملی اشاره‌ای داشته باشند، ارزیابی کنند.

بالینی باز - پاسخ^۱ را اجرا کرد که در آنها، اولین پاسخ

پردازش اطلاعات

در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، پژوهشگران به حوزه روان شناختی روی آوردند تا از شکل گیری تفکر آگاه شوند.

اینکه ذهن انسان را بتوان به عنوان سیستم دستکاری کننده نماد در نظر گرفت که اطلاعات از طریق آن جریان می یابند - دیدگاه نامیده می شود.

ا لحظه ای که اطلاعات در واحد **درون داد** به حواس ارایه می شوند تا زمانی که به صورت پاسخ رفتاری در **برون داد** نمایان می شوند، به طور فعال رمزگردانی شده، تغییر می یابند، و سازمان دهی می شوند.

پژوهشگران پردازش اطلاعات، برای ترسیم مراحل حل کردن مسایل و انجام دادن تکالیف طی می کنند، معمولاً از **نمودارهای گردشی** استفاده می نمایند.

کردار شناسی و روان شناسی رشد تکاملی

کردار شناسی به ارزش انطباقی یا بقای رفتار و تاریخ تکامل آن مربوط می شود.

دو جانور شناس اروپایی به اسامی کنراد لورنز و نیکوتین برگن شالوده آن را ریختند. آنها با زیر نظر گرفتن گونه های حیوانی مختلف در زیستگاه طبیعی آن ها، الگوهای رفتاری را که به بقا کمک می کنند، مشاهده کردند.

معرف ترین این الگوها، **نقش پذیری** است؛ یعنی رفتار تعقیب کردن جوجه پرنده ها، مانند غازها

نقش پذیری در دوره محدود رشد صورت می گیرد.

مشاهدات نقش پذیری به مفهوم مهمی در رشد انسان منجر شد: **دوره بحران**. دوره بحرانی، مدت زمان محدودی است که در طول آن، فرد از لحاظ زیستی آمادگی دارد تا رفتارهای انطباقی خاصی را فرا بگیرد، اما به حمایت محیط تحریک کننده مناسب نیاز دارد.

دوره حساس دوره زمانی است که برای ظاهر شدن توانایی های خاص، مطلوب است و فرد در این زمان خیلی پذیرای تاثیرات محیطی است.

جان بالبی معتقد بود که لبخند، غان و غون کردن، چنگ زدن، و گریه کردن کودک علایم اجتماعی فطری هستند که مادر را ترغیب می کنند به فرزند خود نزدیک شود، از او مراقبت و با وی تعامل کند.

نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی

دیدگاه ویگوتسکی بر نحوه ای که فرهنگ و عقاید، آداب و رسوم، مهارت های گروه اجتماعی - به نسل بعدی انتقال می یابد، تمرکز می کند. به عقیده ویگوتسکی، تعامل اجتماعی - مخصوصا گفتگوهای یاری بخش با اعضای آگاه تر جامعه برای اینکه کودکان شیوه های تفکر و رفتار که فرهنگ جامعه را تشکیل می دهد فراگیری کنند، ضروری هستند.

ویگوتسکی معتقد بود که وقتی بزرگسالان و همسالان ماهرتر به کودکان کمک می کنند بر فعالیت هایی تسلط یابند که از لحاظ فرهنگی معنی دار هستند، ارتباط بین آنها بخشی از تفکر کودکان می شود.

ویگوتسکی با پیازه موافق بود که کودکان موجودات فعال و سازنده ای هستند. اما در حالی که پیازه بر تلاش های مستقل کودکان در معنی دادن به دنیای خودشان تاکید کرد، ویگوتسکی رشد شناختی را به صورت فرایندی که جامعه میانجی آن می شود در نظر داشت که به موجب آن، وقتی کودکان به چالش تازه ای می پردازند، به کمک بزرگسالان و همسالان ماهر تر متکی می شوند.

در نظریه ویگوتسکی، کودکان در معرض تغییرات مرحله ای خاص قرار می گیرند. مثلاً وقتی زبان را یاد می گیرند، توانایی شرکت کردن آنها در گفت و شنودها با دیگران افزایش می یابد. ویگوتسکی عقیده داشت گفتگو با افراد ماهر به تغییرات در شناخت منجر می شود که از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت دارد.

نظریه سیستم های بوم شناختی

یوری برونفن برنر بانی این رویکرد است.

نظریه سیستم های بوم شناختی فرد را به صورتی در نظر می گیرد که درون سیستم پیچیده روابطی رشد می کند که چندین سطح از محیط پیرامون بر او تاثیر می گذارند.

از آنجایی که خلق و خو کودک تحت تاثیر عوامل زیستی قرار دارد با نیروهای محیطی ترکیب می شود تا رشد را شکل دهند، برونفن نظریه خودش را **مدل زیست بوم شناسی** نامید.

برونفن برنر محیط را به صورت یک سری ساختار آشیانه مانند در نظر می گیرد که خانه، مدرسه، محله، و محیط کار که افراد زندگی روزمره خود را در آنها می گذرانند، شامل می شود.

ریز سیستم: عمیق ترین سطح محیط ریز سیستم است. که از فعالیت ها و الگوهای تعامل در محیط های نزدیک فرد تشکیل می شود. در این محیط تمام روابط **دو جهتی** هستند.

مثلا: بزرگسالان بر رفتار کودکان تاثیر می گذارند، ولی خصوصیات کودکان که تحت تاثیر عوامل زیستی و اجتماعی قرار دارند، مانند ویژگی ها جسمانی، شخصیت، و توانایی های آنها نیز بر رفتار بزرگسالان تاثیر دارند.

میان سیستم: دومین سطح مدل برونفن برنر **میان سیستم** است که ارتباط بین ریز سیستم ها را در بر می گیرد. مثلا پیشرفت تحصیلی کودک نه تنها به فعالیت هایی که در مدرسه صورت می گیرد، بلکه به درگیر بودن والدین در زندگی تحصیلی و به میزانی که یادگیری تحصیلی به خانه منتقل می شود نیز بستگی دارد.

برون سیستم: برون سیستم از موقعیت های اجتماعی تشکیل می شود که فرد در حال رشد را در بر نمی گیرد، ولی با این حال بر تجربیات در موقعیت های نزدیک تاثیر می گذارد. این موقعیت ها می توانند سازمان های رسمی، مانند هیات مدیره در محیط کار فرد، نهاد مذهبی، یا خدمات بهداشتی و رفاهی جامعه باشند. مثلا مرخصی استحقاقی و استعلاجی والدین، برنامه کاری انعطاف پذیر.

کلان سیستم: بیرونی ترین سطح مدل برونفن برنر **کلان سیستم** است که از ارزش ها، قوانین، آداب و رسوم، و امکانات تشکیل می شود. مثلا در کشورهایی که معیارهای عالی برای مراقبت از کودک و امتیازهای کاری برای والدین شاغل وجود دارد.